

تاملی در باب سوسیالیسم دموکراتیک کثرت گرا

برگرفته از نظرات لوک مارتل، نظریه پرداز سوسیالیست پسامدرن؛

دموکراسی سوسیالیستی را معمولاً تعاریفی چون دولت، طبقات اجتماعی و سوسیالیسم را در بر دارد، اما میتوان دامنه تعاریف آن را گسترده کرد. لوک مارتل، نظریه پرداز سوسیالیست پسامدرن معتقد است که باید بر تفکر دوگانه غلبه کرد و طرحی نو و کثرت‌گرا برای سوسیالیسم در انداخت که دارای ارزش‌ها، رویکردها و اشکال دموکراتیک و ساختار چندسطحی باشد تا انواع نظام‌های سوسیالیستی را در خود جای دهد.

کمونیسم، دموکراسی اجتماعی، سوسیالیسم تعاونی و سوسیالیسم دموکراتیک

این نوشتار تأمل و تعمقی است است در مقوله دموکراسی اجتماعی (سوسیالیستی) با افزودن دیدگاه کثرت‌گرا. سوسیالیسم معانی مختلفی دارد اما اصول اساسی برای یک جامعه سوسیالیستی، مالکیت اشتراکی و برابری اقتصادی است. کمونیسم عبارت- است از مالکیت اقتصاد توسط مردم و برای مردم بجای مالکیت خصوصی و برنامه ریزی برای نیاز مردم بجای مکانیزم بازار است. متأسفانه تلاش‌هایی که در راستای برقراری کمونیسم انجام شد، سرکوبگرانه بود و نتوانست آگاهی عمومی لازم را ایجاد کند. بنابراین ضمن درس گرفتن از خطاهای گذشته، باید طرح بهتری برای سوسیالیسم داشت. سوسیالیسم باید دموکراتیک‌تر و لیبرال‌تر باشد، کثرت‌گرا و تنوع‌پذیر باشد و اجازه دهد آگاهی عمومی قبل از تحقق سوسیالیسم حاصل گردد.

در آغاز قرن بیستم، **دموکراسی اجتماعی** از کمونیسم جدا شد؛ دموکراسی پارلمانی را به انقلاب ترجیح داد و تحولات ترقی خواهانه در درون نظام سرمایه داری را به جای سرنگونی آن برگزید. در نتیجه پذیرای اموری چون آزادی لیبرال و کثرت‌گرایی شد و درصدد بر ساختن آگاهی عمومی تحت لوای نظام سرمایه داری برآمد. نظام‌های مهم سوسیالیستی که می‌شناسیم از این قرار اند:

دموکراسی اجتماعی با تکیه بر تغییرات از بالا به پایین، البته با نتایج مثبت، و پذیرش کثرت در درون نظام سرمایه داری به جای ایجاد جامعه سوسیالیستی پای فشرد. سوسیال دموکرات‌ها در نهایت با نتولیبیرالیسم سازش کردند و از اصول اولیه خود مبنی بر مالکیت اشتراکی، خدمات عمومی و برابری درقبال پذیرش خصوصی سازی و فراگیری نهادها صرف‌نظر کردند.

سوسیالیسم تعاونی مدلی مبتنی بر تغییرات از پایین به بالا است و مولد آگاهی عمومی و کثرت است. این مدل به هر حال مغایر با اصول سرمایه داری است چه آنکه ضمن مماشات به تحول آن نظام بپردازد یا درصدد جایگزینی آن باشد، اما قادر هست که در درون سرمایه داری بدون جدا شدن از آن رشد کند و از ملزومات آن ارائه خدمات تکمیلی توسط دولت برای رفاه عمومی و برقراری برابری است، به علاوه توجه به تغییرات اقلیمی زمین که در اولویت بالا در کانون مسائل مشترک جهانی قرار دارد و نیازمند توجه فوری است.

سوسیالیسم دموکراتیک، بیشتر از اینکه کمونیست باشد، دموکراتیک است و درصدد ایجاد جامعه سوسیالیستی است نه سرمایه داری اصلاح شده همگام با دموکراسی اجتماعی. این نظام در مقایسه با سوسیالیسم تعاونی، دموکراسی اجتماعی و لیبرالیسم، بیشتر دولت محور و جامعه محور است.

دموکراسی اجتماعی و لیبرالیسم

دموکراسی سوسیالیستی کثرت‌گرا مدل بازی است که سطوح مختلف سوسیالیسم را در خود جای می‌دهد. مدل‌های تغییر از پایین به بالا و تغییر از بالا به پایین را ترکیب می‌کند و آن‌ها را رقیب یکدیگر نمی‌بیند. این مدل در درون نظام سوسیالیستی کار نمی‌کند نه درون سرمایه‌داری؛ با این تفاوت که کثرت‌گرایی و آزادی‌های لیبرال را می‌پذیرد. این نظام ترکیبی از مجموعه‌های کمونیسم و دموکراسی اجتماعی است و از طریق اصلاحات متحول‌ساز به سوسیالیسم می‌رسد. به عبارت دیگر نوعی نظام سوسیالیسم دموکراتیک است که به تدریج سوسیالیسم را می‌سازد.

سوسیالیسم، آزادی و کثرت را خفه می‌کند مگر اینکه خود را محدود کند و درون خود جایگزین‌ها و اشکال غیرسوسیالیستی را بپذیرد. سوسیالیسم با چالش‌های متعددی از سوی رهیافت‌های دیگر روبه‌رو است. لیبرالیسم بر آزادی و کثرت‌گرایی تأکید دارد. سوسیالیسم می‌تواند در تحقق این ارزش‌ها بهتر از لیبرالیسم عمل کند، مشروط بر آنکه کنترل کافی و نهادهای لازم را برای تحقق چنین ارزش‌هایی برپا نماید. کثرت‌گرایی که در چارچوب نظام سوسیالیستی نهادینه شده باشد، به خودی خود مهم است و می‌تواند پویایی و پیشرفت را به همراه داشته باشد. **سوسیالیسم نباید لیبرالیسم را پرورش دهد اما باید لیبرال باشد.**

سوسیالیسم و نابرابری‌های اجتماعی، محیط زیست و استثمار زدایی

اموری چون فمینیسم، ضدیت با تبعیض نژادی، و جنبش‌های اجتماعی علیه انواع نابرابری، از جمله نابرابری جنسیتی و جنسی، ایده سوسیالیسم را که فقط در گرو مبارزه طبقاتی است، به چالش می‌کشند. نابرابری‌های اجتماعی جزئی از ساختارهای فرهنگی مثل مردسالاری است در عین آنکه در نابرابری‌های اقتصادی و سرمایه‌داری هم وجود دارد.

حفظ محیط زیست، حکایت از تعهد سوسیالیست‌ها به رشد و بهره‌وری دارد. در این موارد لازم نیست سوسیالیسم خود را محدود کند؛ زیرا با چنین چالش‌هایی سازگار است. حتی می‌تواند با نابرابری‌های دیگر و سایرستم‌های فرهنگی و عوارض شوم سرمایه‌داری، در کنار نابرابری طبقاتی مبارزه کند؛ می‌تواند برای کنترل رشد و رشد سبز تامین مالی کند. در واقع اصل مالکیت اشتراکی و برابر طلبی، زمینه را برای کنترل اجتماعی در جهت تامین منافع عمومی و برابری گسترده فراهم می‌کند.

خواستگاه سوسیالیسم ممکن است اروپا باشد، اما در کشورهایی مثل هند، مکزیک و سوریه زمینه‌های قابل اعتنایی وجود دارد که ارزش‌های دموکراسی اشتراکی، رفع نیاز و برقراری برابری را طلب می‌کند، علیرغم آنکه از دید استعماری این‌طور به نظر می‌آید که سوسیالیسم از ملت-دولت‌های اروپایی شروع شده و به بخش پایین دست جهان بدون حفظ حرمت ارزش‌ها و سنت‌های بومی صادر شده است. روش‌های خوداتکایی در کشورهای فقیرتر مورد توجه هستند و از این بابت کشورهای مثل هند، مکزیک و سوریه زمینه زیادی برای پذیرش این مدل دارند. در واقع سوسیالیسم باید بر دانش و ارزش‌های بومی بنیادگذاری کند و حرمت قائل شود و در میدان عمل، کثرت‌گرایی و فرا‌تر از خود را پیاده کند.

سوسیالیسم دموکراتیک کثرت‌گرا

دموکراسی های سوسیالیستی تحت شرایط سختی توسط احزاب چپ در جهان زنده نگاه داشته شده اند. در موارد موجود دموکراسی اجتماعی به جای اینکه سوسیالیسم را نگه دارند با سوسیالیسم دموکراتیک، اصلاحات و تحول ترکیب شده اند؛ و یا این که میشود گفت سوسیالیسم در عمل مورد پذیرش واقع نشده است.

سوسیالیسم هنگامی به جریان اصلی خود باز میگردد که متوجه باشیم دموکراسی باید همچنان که سیاسی است، اقتصادی هم باشد منتهی با رویکرد کثرت گرایانه و پویا. مالکیت عمومی نباید فقط در انحصار دولت و مدیران باشد بلکه باید اجتماع گسترده تری از کارگران و مصرف کنندگان را هم شامل شود. مالکیت های اجتماعی غیرمتمرکز در سطوح شهرداری های محلی و مستقل از حکومت در بخش خدمات یا کارو کسب های عمومی، هم راستای مالکیت دولتی و ملی توصیه میشود. مشارکت در این امور میتواند مستقیم یا از طریق نمایندگی و ارتباطی گروهی و فردی باشد. سوسیالیسم دموکراتیک به صورت زنده نگهداشتن جنبش ها یا احزاب تا کنون حفظ شده اند. در عین حال، نباید با اموری چون تجربیات جامعه مدنی و تغییرات از طریق دولت ها مخالفت نمود. این موارد را باید به عنوان امر بینابینی پذیرفت. این ها میتوانند مکمل یکدیگر باشند یا حتی در به حساب آوردن منابع برای بودجه ریزی یا تولید ثروت اجتماعی، با هم کار کنند. این در حالی است که سیاست ملی میتواند از حصول یکپارچگی و مقابله با نابرابری اطمینان حاصل کند؛ در جایی که ممکن است محلی گرایی اختلال موضعی ایجاد کند.

حفظ سوسیالیسمی که در کثرت گرایی نهادینه شده بسیار مشکل است. به علاوه بحران هایی که در جهان رخ نموده، آنقدر هراسناک است که به سختی میتوان رهیافتی را نسبت به دیگری با اطمینان برگزید. بحران هایی که باید برای مقابله با آن ها به هر وسیله ممکن آماده شد. همچنین مواردی چون راه کارهای بومی و همینطور حفظ سلسله مراتب مدیریتی حائز اهمیت است.

فرا تر از دوگانگی

پتانسیل هایی چون کمونیزم، دموکراسی اجتماعی، سوسیالیسم تعاونی، سوسیالیسم دموکراتیک، احزاب سیاسی، جنبش های اجتماعی، اعمال حکومت مرکزی و راه کارهای بومی نباید رودرروی یکدیگر قرار گیرند. درست است که بین این ها تنش وجود دارد اما این ها قابل ترکیب هم هستند. دموکراسی میتواند همچنانکه سیاسی است، با مشارکت دادن منافع کثرت گرایانه در سطوح مختلف و ابزار مشارکت متفاوت، اقتصادی هم باشد. سوسیالیسم دموکراتیک کثرت گرا داخل ساختار سوسیالیسم، لیبرال است و بر پیرامون هم برسازی جمعی و استعمار زدایی حلقه میزند.

سوسیالیسم دموکراتیک کثرت گرا فرا تر از تصویر سازی های قطبی عمل میکند. نوعی کثرت گرایی نیست که در داخل سوسیالیسم باشد یا در میانه راه بین سوسیالیسم و لیبرالیسم باشد. بلکه نظریه محکمی است در میان نظرات غیر جزم اندیشانه؛ تئوری است در میدان عمل؛ سوسیالیسم است در درون کثرت گرایی.